

زنان نادیده گرفته می‌شوند

فرناز سیفی

نامه، ش ۴۵، دی ۸۲



چکیده: در بسیاری از کشورهای جهان سوم از جمله ایران، فرهنگ قبیع‌سالاری، هنوز با قدرت تمام حاکم است و قوانین نانوشته و عرف مرسوم جامعه، قدرتمندتر از هر قانونی تعیین‌کننده، وظایف و حیطه‌ها است. وظیفه و تکلیف زن در این فرهنگ خانه‌داری و بچه‌داری، حفظ کانون خانواده است. در این تفکر، زن، منشأ و دلیل اصلی گسترش فساد در جامعه است که باید حضورش به حداقل برسد، درحالی که کنار گذاشتن زنان، به کلیت جامعه، آسیب می‌رساند.

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حضور زنان در مشاغل، به ویژه مشاغل حساس و دولتی، در برخی از کشورهای اروپایی، مثال زدنی است برای نمونه، فنلاند، کشوری است با حاکمیت زنانه، که بیش از پنجاه درصد زنان در پارلمان، کابینه هستند و بسیاری از آنان، ریاست احزاب سیاسی را عهده‌دار هستند؛ هرچند که در اکثر کشورهای جهان، عرصه‌های سیاسی، تحت سلطه و انحصار کامل مردان و یکه‌تازی نظام مردسالار است. مثلاً، در کشور ما، آمار اشتغال زنان سیزده درصد است، که با روی کار آمدن دولت اصول‌گرای آقای احمدی‌نژاد و سیاست‌های اتخاذی آن، باید نگران عدم تحمل دولت جدید، از حضور زنان به عنوان مدیرانی ساده هم باشیم؛ برای نمونه، اواخر مهرماه، بخشنامه‌ای منتشر شد که، عملاً برکناری شمار قابل توجهی از زنان شاغل، در

بازتاب اندیشه ۷۰

۶۹

زنان نادیده
گرفته می‌شوند

ادارات زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، که در شیفت شب کار می‌کنند را به دنبال داشت.

باید گفت، چنین دستوراتی، ناشی از نظام قیم‌سالاری حاکم بر جامعه است. در چنین فرهنگ بازدارنده‌ای، افراد نسبت به یکدیگر تکلیف دارند و نه حق.

آنچه در اولین نگاه به محتوای این بخشنامه داخلی جلب توجه می‌کند؛ باز تولید و تکیه بر ارزش‌های دینی است، که هنوز با قدرت تمام در جامعه سنتی ایران نمود دارد. ارزش‌های دینی، که بر مبنای آن وظایف زن و مرد تعریف شده است و وظیفه و تکلیف زن در این طبقه‌بندی خانه‌داری و بچه‌داری، حفظ کانون خانواده و گرما بخشیدن به آن است. یکی دیگر از نمودهای این باور، در دولت جدید، که فقط تأکید مداوم بر نقش همسری و مادری زنان می‌شود؛ تغییر نام، تنها نهاد متولی زنان، در کشور است؛ که از «مرکز امور مشارکت زنان» به «مرکز امور زنان و خانواده» تغییر یافته است.

با نگاهی گذرا به تاریخ کشورهای دموکرات می‌بینیم که، تاریخ جنبش‌های زنان در این کشورها، مؤید این نکته است که، مسأله اشتغال زنان، همواره موضوعی مورد بحث برانگیز، بوده است. بعد از باز شدن دروازه‌های ورود زنان، به مشاغلی که قبلاً مردانه تلقی می‌شد و تعیین دستمزد بر مبنای ارزش کار و نه جنسیت و با توجه به رفاه نسبی جامعه، مسائل اقتصادی، در چنین کشورهایی دیگر، محور مبارزات تلقی نشده و توجه فعالان به آرمان‌هایی درونی‌تر و جزئی‌تر معطوف شد.

اما در جامعه ایران، فرهنگ غالب بر جامعه بیش از آن که خواهان برابری زنان و مردان باشد، خواهان حمایت از زنان است و در این راستا، سیاست‌های به اصطلاح زن‌دوستانه‌ای که، از سوی برخی نهادهای قدرت مطرح می‌شود؛ هرچند در کوتاه مدت ممکن است به نفع زنان باشد، اما در درازمدت، محدودیت و به حاشیه راندن هرچه بیشتر زنان را در پی دارد. تحدید ساعت کاری زنان که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آغاز شده است و نمایندگان مجلس نیز به صراحت اعلام کرده‌اند که در صورت موفق بودن این طرح را به صورت قانونی لازم‌الاجرا در تمامی نهادهای دولتی در خواهند آورد؛ این در شرایطی صورت می‌گیرد که، بنابر آمار موجود میزان بیکاری زنان دو برابر مردان است. از طرفی این در حالی است که، از

بازتاب اندیشه ۷۰

۷۰
زنان نادیده
گرفته می‌شوند

چند سال پیش شاهد رشد چشمگیر و فزاینده تعداد زنان تحصیل کرده هستیم که دولت و جامعه را ملزم می‌سازد که، برای افزایش اشتغال زنان تدابیری عملی بیندیشند، اما متأسفانه دولت با اتخاذ سیاست مذکور، قصد دارد زنان را به تدریج از عرصه اشتغال بیرون کرده تا تدبیری برای بحران بیکاری مردان بیندیشد. در جامعه ما بنابر قوانین نانوشته و عرفی آن، دختر در نهایت باید از دواج کرده و خانه‌داری و گرما بخشیدن به کانون خانواده مهم‌ترین دغدغه و وظیفه او باشد و حضور او در دانشگاه و تحصیل که به هر حال برای دولت هم هزینه‌بردار است، چندان ضروری و مطلوب نیست و بهتر آن است که پس‌رانده شده و بی‌توجه به شایستگی جای او را، به پسری دهند که بنابر همان قوانین نانوشته و عرف مرسوم، تأمین معیشت سرپرستی خانواده و وظیفه اوست.

شاید بتوان گفت که، یکی از دلایل اتخاذ چنین تصمیم‌هایی، نگرانی از حضور گسترده زنان در جامعه و استقلال هر چه بیشتر آنها و در نهایت گسترش آموزه‌های فمینیسم باشد، که از نظر بخشی از ساختار قدرت حاکم بر ایران غیراخلاقی، غیر منطقی و مخرب پایه‌های خانواده به شمار می‌رود. برای نمونه، خانم زهرا شجاعی رییس مرکز امور مشارکت زنان سابق اعلام کرد که، ما همان قدر که از مردسالاری بیزاریم از فمینیسم هم بیزار هستیم؛ نیز آقای غلامحسین الهام رییس دفتر ریاست جمهوری، فمینیسم را مهم‌ترین دشمن جامعه اسلامی تلقی کرده و تأکید کردند که، اگر در مقابل موج فمینیستی که اینک در جهان شکل گرفته است با درک درست اسلامی مقابله نکنیم، زنان، مردان و کیان خانواده از بین خواهند رفت و تقریباً تمامی افراد حاضر در عرصه قدرت از هر طیف و گرایش سیاسی همواره به تفاوت‌های میان زن و مرد توجه و تأکید دارند و بحث برابری زن و مرد را نادرست تلقی کرده و به تعریف و تبیین ارزش‌های دوگانه برای زنان و مردان دامن می‌زنند. چنین رویکردهایی زنان را به حاشیه رانده و در موقعیتی ضعیف‌تر و شکننده‌تر قرار می‌دهد و حقوق حداقلی زنان را، که نیمی از بیکره جامعه هستند نادیده می‌گیرد.

● اشاره

این مقاله، با وجود اینکه، یکی از مسائل روز مطرح شده است اما، نویسنده همان‌طور که، از

عنوان مقاله برمی‌تابد به دنبال بهانه‌ای بوده تا تفکرات و نقطه‌نظرات خود را، به این بهانه مطرح سازد، در صورتی که اگر بخواهیم واقع‌بینانه و منصفانه قضاوت کنیم، بخشنامه‌ای که در سطح محدودی مطرح شده است آن هم در خصوص اینکه، زنان در شیف‌ت شب، در بخش‌های مربوط به یک وزارتخانه حضور نداشته باشند، نتایجی مانند آن‌که نویسنده بیان کرده مثل، نادیده شمردن زنان در جامعه و آسیب رسیدن به کلیت جامعه از آن استفاده نمی‌شود. همچنین در این نوشتار، به مسائل متعددی اشاره شده که لازم است آنها را، مورد دقت نظر قرار داد از جمله:

۱. به نظر نویسنده، فرهنگ قِیم‌سالاری در ایران هنوز با قدرت تمام حاکم است، که این مطلب صرفاً به صورت یک ادعا مطرح شده و دلیل خاصی برای آن نیامده است. در صورتی که شاکله نظام جمهوری اسلامی، مبتنی بر دین مبین اسلام است که نافی تبعیض میان زن و مرد است.

۲. درباره این مطلب نویسنده که، در فرهنگ بازدارنده قِیم‌سالاری یا مردسالاری افراد نسبت به یکدیگر تکلیف دارند و نه حق، باید گفت که، حق و تکلیف همواره ملازم همدیگرند و تعبیر این که افراد نسبت به یکدیگر صرفاً دارای تکلیف هستند امر نادرستی است.

۳. در خصوص اختلاط میان زن و مرد، در آیین شریعت اسلام، به خاطر مصلحت‌هایی که لحاظ شده محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است و به علت ویژگی‌های خاص زنان و توانایی‌های ویژه‌ای که در تقویت نظام خانواده دارند، فعالیت و حضور آنان در جامعه به صورت غیرمستقیم و بیشتر در خانه از طریق تربیت نسل جدید در نظر گرفته شده است. این یکی از اصول دین است که، باید در تنظیم بخشنامه‌ها و تدوین مقررات اجتماعی همواره لحاظ شود.

۴. نویسنده، از قوانین نانوشته و عرف مرسوم جامعه، که قدرتمندتر از هر قانونی تعیین‌کننده وظایف و حیطه‌هاست، نامبرده است. در پاسخ باید گفت که هرچند، عرف یکی از منابع حقوق به شمار می‌رود ولی، در خصوص مسائل زنان این عرفی که مبنای شرعی داشته یا ردی بر آن در شرع نباشد، می‌تواند پذیرفته شود و در حال حاضر، بسیاری از مسائل در این باره به صورت قانون و دستورالعمل درآمده است. مطابق با قوانین موجود، حراست از کیان خانواده یکی از اهداف اساسی و اولیه نظام است.

۵. با وجود موارد فوق، باید گفت که، میزان حضور زنان در مشاغل سیاسی در ایران،

بازتاب اندیشه ۷۰

۷۲
زنان نادیده
گرفته می‌شوند

برای مثال در سال ۱۹۹۶ بدین شرح است، در آن سال ۲۰۰ زن خود را نامزد برای مجلس کردند و ۱۴ نفرشان به مجلس راه یافتند یعنی تعداد زنان ایران در مجلس شورا بیش از تعداد سناتورهای زن در آمریکا در همان سال است.^۱ نتیجه اینکه زن مسلمان در جامعه اسلامی هیچ‌گاه به حاشیه رانده نمی‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بازتاب اندیشه ۷۰

۷۳

زنان نادیده
گرفته می‌شوند

۱. ربین رایت، آخرین انقلاب بزرگ: انقلاب و تحول در ایران، ترجمه احمد تدین و شهین احمدی، تهران، رسا، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰ و ۱۹۱